

هوش هیجانی

ابزاری کارآمد در مدیریت و رهبری سازمانی

دکتر محمد رضا ذبیحی

ریاست دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

نازنین شیرزادخان

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

Nazanin.shirzadkhan@gmail.com

چکیده

پیشرفت حرفه‌ای سازمانی با مشاهده مفاهیم هوش عاطفی مرتبط با توسعه رهبری آغاز شده است. ارزش خود آگاهی و خود مدیریت، ایجاد روابط، دریافت شهودی و عوامل احساسی در زندگی کاری غیر قابل تردیدند. در سازمانهای امروزی جایی که تیمهای کاری برای موفقیت حیاتی هستند، مدیران و کارکنان می توانند روحیه تیمی و توانمند سازی محیط کاری را با بهبود مشخصه های هوش عاطفی ایجاد کنند. رهبری یک سازمان برای انطباق پذیری با تغییرها و به منظور بقا و رشد در محیطهای جدید کسب و کار، ویژگیهای خاصی را می طلبد که عموماً مدیران برای پاسخ به آنها با مشکلات بسیاری مواجه می شوند. در این زمینه یکی از مهمترین مولفه های شخصیتی که می تواند به رهبران و مدیران کمک کند. هوش هیجانی است. با توجه به اینکه هوش هیجانی، توان استفاده از احساس و هیجان خود و دیگران در رفتار فردی و گروهی در راستای دستیابی به بیشترین مطلوبیت است. بنابراین، تلفیق دانش مدیریتی و تواناییهای هیجانی در مدیریت می تواند در سوق دادن افراد به سوی دستیابی به هدف کارساز و مفید باشد. درک و اداره هوش عاطفی به شکل مؤثرانه تنها بینشهای جدیدی درباره برانگیختن افراد ارائه می کند بلکه این امکان را می دهد که درباره احساسات و اداره آنها به شکل سازنده عمل شود.

لذا در این مقاله سعی شده است که علاوه بر تعریف مفاهیم مختلف مرتبط به هوش هیجانی، بر اهمیت هوش هیجانی در فرآیندهای مدیریت و رهبری سازمانی نیز تاکید شود و به تحلیل این مساله، ضمن بیان مدل پیشنهادی و جداول مقایسه‌ای از جوانب مختلف نیز بپردازد.

کلمات کلیدی: اثربخشی، برانگیختگی، رهبری، عملکرد، عملکرد گروهی، مدیریت، موفقیت، هوش، هوش عمومی، هوش هیجانی.